

www.ketab.ir

باهم

ترجمه و تالیف: سارا میرزایی

آناهیتا آذر هوشنگ

برگرفته از زندگی‌نامه میشل اوباما

سرشناسه	: میرزایی، سارا، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور	: باهم: برگرفته از زندگی‌نامه میشل اوباما/ ترجمه و تالیف سارا میرزایی، آناهیتا آذرهوشنگ
مشخصات نشر	: تهران: داروگ نو، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	: ۷۲۱ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۶۱-۰۶-۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: بخش اعظم کتاب حاضر ترجمه کتاب Becoming: Michelle Obama, c2018 نوشته میشل اوباما است.
عنوان دیگر	: برگرفته از زندگی‌نامه میشل اوباما
عنوان دیگر	: میشل اوباما شدن.
موضوع	: اوباما، میشل، ۱۹۶۴-م.
موضوع	: Obama, Michelle
موضوع	: روسای جمهور - ایالات متحده - همسران - سرگذشتنامه
موضوع	: Presidents'spouses - United States - Biography
موضوع	: زنان وکیل دادگستری سیاه‌پوست آمریکایی - ایالات متحده - شیکاگو - سرگذشتنامه
شناسه افزوده	: آذرهوشنگ، آناهیتا، ۱۳۶۱
شناسه افزوده	: میرزایی، سارا، ۱۳۵۳
شناسه افزوده	: اوباما، میشل، ۱۹۶۴-م.
شناسه افزوده	: Michelle Obama
رده بندی کنگره	: E909
رده بندی دیویی	: ۹۳۷/۹۳۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۸۵۱۸۰

www.ketab.ir

داروگ
Publication

باهم

نویسنده: میشل اوباما
ترجمه و تالیف: سارا میرزایی و آناهیتا آذرهوشنگ
ویراستار: فاطمه پارسائی
طراح جلد: آتلیه داروگ بین الملل
شمارگان: ۱۰۰۰
سال انتشار: ۱۳۹۸
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال
چاپ و صحافی: تندیس نقره‌ای
ناشر: داروگ نو
توبیت چاپ: اول

تهران، کدپستی: ۱۹۵۷۹۴۴۴۷۱
خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، خیابان جهانیش‌نژاد، پلاک ۲۸، واحد ۵۱
تلفن: ۰۲۱۲۶۱۱۵۰۵۱
فاکس: ۰۲۱۲۶۱۱۹۹۶۵
پست الکترونیک: info@daarvagpublication.com

www.ketab.ir

یادداشتی شخصی از سارا و آناهیتا

اگر خسته‌ای ادامه بده،

اگر ترسیده‌ای ادامه بده،

اگر گرسنه‌ای ادامه بده،

اگر می‌خواهی طعم آزادی را بچشی ادامه بده،

“هریت تاب من”

سال‌ها بود در فکر سهم شدن تجربیات و سختی‌ها و مصائب زندگی‌ام با دیگر زنان بودم، زمانی که کتاب حاضر، نوشته میشل اوباما را خواندیم، جرقه اجرایی شدن این رویا در ذهن‌مان زده شد و با کمک آناهیتای عزیز (از همکاران من

در شرکت داروگ) کار ترجمه را شروع کردیم. در اواسط کار بودیم که بدلیل مسئولیت‌های دیگری هم که داشتیم و دو کتاب دیگری که من در دست داشتم متوجه شدیم این کتاب توسط مترجم دیگری ترجمه شده است. آن‌ها تنها کمی ناامید شد ولی من به او گفتم ما در این مجموعه صرفاً به ترجمه کتاب بسنده نکرده و تجارب زیسته و موفقیت‌های چندین شخصیت دیگر را هم به تصویر کشیده‌ایم. ترجمه این اثر به خاطر تجربیات مشابه ما به حس و حال نویسنده نزدیک‌تر خواهد بود.

صادقانه بگویم هنوز جسارت این را ندارم که همه لحظات و روزهای زندگی‌ایم را کتاب کنم و شاید زمان آن هم هنوز نرسیده است. اما آن‌چه در کتاب حاضر و زندگی میشل اوباما دیدم این بود که چه بسا من، آن‌ها و بسیاری زنان ایرانی، زندگی‌هایی به مراتب پرچالش‌تر و پر قصه‌تر از میشل اوباما داشتیم. اما داستان او بعنوان بانوی اول آمریکا (همسر رئیس‌جمهور سابق آمریکا) در سراسر جهان به فروش می‌رسد اما چه داستان‌هایی از زنان در هر گوشه از این دنیا که ناگفته و ناشنیده می‌مانند.

سال ۱۳۹۷ یکی از پرچالش‌ترین سال‌های زندگی هر دو ما بود. من و آن‌ها تنها در مواردی شبیه هم بودیم، بجز مسائل و چالش‌های بسیار زیاد کاری و زندگی شخصی و زناشویی، مادران هر دو ما با سرطان در حال جنگ بودند. هر دو ما درس‌های بزرگی از مادرانمان گرفتیم، این‌که تسلیم نشویم و برای بودن و شدن بجنگیم. سرطان درد بدی است و حتی نام این بیماری هم حال آدم را بد می‌کند. فرایند درمانش هم که واقعا توان بالایی می‌خواهد. در بیماری سرطان این فقط خود بیمار نیست که مبتلا می‌شود بلکه کل خانواده و اطرافیان او نیز دچار آسیب می‌شوند. همین الان که در حال نوشتن این مطالب هستم به پهنای صورت اشک می‌ریزم؛ از این‌که مادران ما چه رنجی را سال‌ها کشیدند و همچنان با امید و با عشق به ما و زندگی، تمام توانشان را برای مبارزه و مغلوب کردن این بیماری بکار بسته‌اند.

بارها طی سال گذشته خود را باختم اما باز به پا خواستیم. شاید هیچ قدرتی، هیچ قدرتی فراتر از عشق و امید در این دنیا نیست. آموختیم که باید از درون موقعیت‌های سخت، قدرتمند بیرون بیایم. ما با این درس زندگی می‌کنیم که همه چیز با گذر زمان تغییر خواهد کرد؛ اما بالاخره اتفاق خواهد افتاد؛ نه در یک سال یا دو سال، بلکه در طول یک عمر. ما دانه‌های تغییر را می‌کاریم و شاید عمر ما برای دیدن نتیجه‌اش کافی نباشد؛ اما بالاخره میوه خواهد داد و آن اتفاق خوب، اتفاق خواهد افتاد.

آموزش ابزار مقدماتی تغییر در زندگی است و ما اعتقاد داریم آموزش و تحصیل به معنای واقعی نه فقط در جهت کسب یک مدرک و عنوان، می‌تواند مسیر زندگی آدم‌ها را تغییر دهد. به همین دلیل چندین سال است که افتخار خدمت به مجموعه «بنیاد دانش» را داریم. این بنیاد به تحصیل و آموزش بچه‌های محروم از نعمت پدر یا مادر در مناطق محروم، عاشقانه کمک می‌کند. امیدوارم همه عزیزانی که این کتاب را می‌خوانند همیارهای آینده این بنیاد خیریه مطمئن و کارا هم باشند. www.bonyaddanesh.org

این کتاب را به این دلیل تالیف و ترجمه کردیم که خواننده‌های خود به ویژه زنان را به داشتن رویایی بزرگ، وارد شدن در مسیری پر از مانع و دستیابی به پتانسیل کامل، تشویق کنیم. امیدواریم که هر زنی اهدافی مشخص داشته باشد و با ذوق و شوق به دنبال رسیدن آن‌ها باشد و امیدواریم که هر مردی هم با اشتیاق به پشتیبانی از زنان در محیط کار و خانه بپردازد. وقتی در کل جمعیت (زنان و مردان) به دنبال استعدادها باشیم، شرکت‌هایمان به کارایی بیشتری می‌رسند، در خانه‌ها محیط‌های شادتری خواهیم داشت و فرزندان نیز در این خانه بهتر رشد کرده و دیگر به خاطر تصورات غلط جامعه، از اهداف خود دست نمی‌کشند. نیت ما این نیست که بخواهیم مردان را کنار بزنیم یا این‌که نگرانی‌های مشروع آن‌ها را نادیده بگیریم، بلکه کمک به ایجاد فرصت‌های رشد و توسعه برابر برای تمام افراد، فارغ از ویژگی‌های جنسیتی و قومیتی است.

کار سخت نسل‌های قبل از ما به این معنی است که برابری در دستان ما است. امروزه ما می‌توانیم شکاف‌های مدیریتی را ببندیم. هر موفقیت فردی می‌تواند زمینه‌ای برای موفقیت‌های بعدی باشد. می‌توانیم این کار را برای خود، برای دیگران، برای دختران و برای پسرانمان انجام بدهیم. اگر امروزه به سختی تلاش کنیم، موج بعدی می‌تواند آخرین موج باشد. در آینده هیچ رهبر زنی وجود نخواهد داشت مگر به صورت برابر با مردان. زنان نیز جدا از جنسیت، رهبر یا مدیر خطاب می‌شوند. ما باور داریم که زنان می‌توانند بیش‌تر وظیفه رهبری را در محیط کار بر عهده بگیرند. باور داریم که مردان می‌توانند مشارکت بیش‌تری در خانه داشته باشند و معتقدیم که این مسئله باعث به وجود آمدن دنیایی بهتر می‌شود که در آن نیمی از موسسات را زنان و نیمی دیگر را مردان اداره می‌کنند.

خارج از همه این مسائل، این کتاب را برای زنانی تألیف کردیم که می‌خواهند شانس خود را برای پیشرفت در زمینه کاری یا دنبال کردن اهداف خود با قدرت زیاد افزایش دهند. این به ویژه شامل تمام زنان در تمامی مراحل زندگی و کاری می‌شود، از زنانی که تازه، کارشان را شروع کرده‌اند تا کسانی که بعد از مدتی وقفه‌هاشان برگشت به موقعیت‌های شغلی خود هستند. هدف دیگر ما برای ترجمه و نگارش این کتاب، مردانی هستند که می‌خواهند خواسته زنان را به عنوان همکاران، همسران، مادران و یا دختران یا سایر بستگان درک کنند و در نتیجه بتوانند در ساخت دنیایی برابر برای زنان، سهیم باشند.

این کتاب فرصتی را برای پیشرفت و دنبال کردن اهدافتان به وجود می‌آورد؛ با این حال معتقدیم که حضور تعداد زیادی از زنان در پست‌های بالای مدیریتی، عنصری ضروری از حقیقت «برابری و عدالت» به شمار می‌رود و می‌دانیم که تنها یک تعریف، از موفقیت و خوشبختی وجود ندارد. تمام زنان خواستار شغل نیستند. تمام زنان فرزند نمی‌خواهند. زنانی هم هستند که هیچ‌کدام را نمی‌خواهند. به هیچ‌عنوان نمی‌گویند که همه افراد باید اهداف یکسانی داشته باشند. بسیاری از افراد علاقه‌ای به کار یا کسب قدرت ندارند، نه به این

خاطر که بلندپرواز نیستند یا آرزویی ندارند؛ بلکه به این دلیل که زندگی آن‌ها مطابق میل‌شان پیش می‌رود. در صورتی که زنان بتوانند صدای خود را به سطوح و رتبه‌های بالاتری برسانند، می‌توانیم فرصت‌ها و برابری را برای خود افزایش دهیم.

در فصل‌های ابتدایی این کتاب، داستان زندگی میشل و باراک اوباما برگرفته از کتاب «شدن» میشل اوباما ترجمه شده و توصیف می‌کند که از کودکی با پیامی بزرگ شده است که تنها یک راه برای آمریکایی بودن وجود دارد. اگر پوست ما سیاه است یا خوش‌اندام نیستیم یا عشق را در چهارچوب خاصی تجربه نکرده‌ایم یا به زبان دیگری صحبت می‌کنیم یا از کشور دیگری آمده‌ایم متعلق به آمریکا نیستیم. اما یک نفر هم جرأت می‌کند که آن داستان را به گونه‌ی متفاوتی بیان کند.

میشل اوباما می‌گوید: من با پدر ناتوانم در خانه‌ای بسیار کوچک، با پول کم و در یک محله‌ی فقیرنشین بزرگ شدم و همچنین با عشق و موسیقی در یک شهر متفاوت در کشوری که از راه تحصیلات می‌توانستی به جایگاه بالاتری بررسی رشد کردم. هیچ چیز نداشتم یا همه‌چیز داشتم؛ بستگی به این دارد که چگونه بخواهی آن را بیان کنی.

ولی فکر کنم چیزی را که در طی همه‌ی سال‌ها تجربه کرده‌ام، بسیاری دیگر از افراد هم تجربه کرده‌اند و آن حس پیشرفت، همدردی و لذت یافتن امید پنهانی است که می‌تواند یک امید مشترک جهانی باشد. این پیشنهاد ما برای تداوم بود: ظهور نسلی که توانایی‌های خود را باور دارد و هر چیز دیگری برایش ممکن است. سرنوشت ما هر چیز دیگری می‌توانست باشد. یکنواختی باعث یکنواختی بیش‌تر می‌شود؛ تا زمانی که یک تدبیر هوشمندانه برای مقابله با آن صورت گیرد. برای من، «شدن» به معنای رسیدن به جایی یا دستیابی به یک هدف خاص نیست. در عوض آن را حرکتی رو به جلو، وسیله‌ای برای تکامل و راهی برای بهتر شدن می‌بینم. سفر به پایان نرسیده است. من مادر

شدم؛ اما همچنان چیزهای زیادی برای یاد گرفتن و یاد دادن به فرزندانم وجود دارد. من همسر شدم؛ اما همچنان به سازگاری و متواضع بودن برابر چیزی ادامه می‌دهم که به معنای عشق واقعی و تشکیل خانواده با فرد دیگری است. من با اقدامات خاصی فرد قدرتمندی شدم؛ اما همچنان لحظاتی وجود دارد که احساس ناامنی می‌کنم یا حس می‌کنم مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌ام.

این‌ها همه یک روند است، مسیری که باید طی شود. «شدن» نیاز به صبر و دقت در یک سطح برابر دارد. «شدن» این است که هیچ وقت مقابل آرمانی در حال وقوع، تسلیم نشوی. من همچنان به هدفم ادامه خواهم داد تا خود را به نیرویی که بزرگ‌تر و قدرتمندتر از انتخاب هر فرد، رهبر یا اخباری است متصل کنم و آن خوش‌بینی است. برای من این شکلی از ایمان و پادزهری برای ترس است. خوش‌بینی در آرزوی آرزوی کوچک خانواده‌ی ما در خیابان «یوکلید» حکم‌فرما بود. من آن را در پلر خود دیدم؛ وقتی به گونه‌ای برخورد می‌کرد که انگار بدنش هیچ مشکلی ندارد و بیماری‌ای که یک روز جان‌ش را گرفت اصلاً وجود ندارد. من آن را در تصمیم قدرتمند ما در مرحله دیدم؛ این که در آن جا بماند، حتی اگر ترس باعث شود بسیاری از همسایه‌های او اسباب خود را جمع کنند و بروند. این چیزی بود که برای اولین بار توجه مرا به سوی «باراک» جلب کرد؛ زیرا وقتی او به دفتر من در «سیدلی» آمد، لبخند نویددهنده‌ای بر لب داشت. این عقیده بعدها به من کمک کرد که به اندازه‌ی کافی بر شک‌ها و تردیدهایم غلبه یابم و اطمینان پیدا کنم که اگر به خانواده‌ام اجازه دهم که زندگی‌شان بسیار در معرض دید عموم باشد، می‌توانیم ایمن و خوشحال باشیم.

به ازای هر دری که به روی من باز شد، سعی کردم دری را از جانب خودم به روی بقیه باز کنم و نهایتاً این چیزی است که می‌خواهم در این جا بگویم: بیاید یکدیگر را به داخل راه دهیم. شاید آنگاه کم‌تر بترسیم، کم‌تر گمان‌های اشتباه داشته باشیم و تعصبات و کلیشه‌هایی را که بی‌جهت بینمان تفرقه می‌اندازند کنار بگذاریم. شاید بتوانیم با این کار شرایطی را که همه‌ی ما در آن یکسان هستیم، بهتر درک کنیم. این درباره‌ی کامل بودن نیست و در مورد آن نیست